

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بیکار پامیر
۱۱.۰۲.۰۹

نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان جلد دوم

به ادامه گذشته:

فصل دهم

تسخیر بامیان :

بامیان با داشتن کوه های سر به فلک کشیده ، دره های عمیق و زمستان پر برف از نظر جغرافیایی در مرکز افغانستان موقعیت دارد . در این موقع از دو طرف دچار فشار های نظامی و اقتصادی قرار گرفت ؛ از یکطرف زد و خورد های خونین میان دو جنگسالار "عطا محمد از جمعیت اسلامی و رحیم دیوانه از حزب وحدت اسلامی" در دره صوف و راه بندان ناشی از آن و از سوی دیگر، مسدود کردن راه های مواصلاتی و امداد رسانی توسط طالبان از سه جناح "غور – غزنی – وردک" ، محاصره بامیان و انسداد راه های امداد رسانی مدتها دوام یافت و موجبات مرگ و میر صد ها انسان بیگناه آن منطقه را فراهم کرد. پاکستانی ها در چنین حالتی اعلام کردند که مقدار ششصد هزار تن گندم به طالبان کمک میکنند. قرار اظهار عبدالوهاب سفیر طالبان در اسلام آباد ، " در هر ماه پنجاه هزار تن " آنرا به اختیار آنها قرار خواهد داد. این اعلان از یکطرف در حالتی صورت گرفت که مشکلات زیادی از این ناحیه در داخل "پاکستان" وجود داشت و از سوی دیگر ، بیرحمانه ترین سیاست دولت مداران پاکستانی در قبال ملت افغانستان را به نمایش میگذاشت . زیرا از یکسو به طالبان دستور میدهند تا راه های امداد رسانی را از هر طرف به روی اهالی مظلوم و بینوای مناطق مرکزی ببندند تا از گرسنگی هلاک شوند و از سوی دیگر، مقدار معتابهی گندم برای صرفاً طالبان می فرستند تا به جنگ و خونریزی ادامه بدهند. سازمان ملل بار ها تقاضا به عمل آورد تا غرض رفع احتیاجات شدید مردم و جلوگیری از تلفات انسانی ، اجازه داده شود مواد خوراکی به مناطق مرکزی افغانستان رسانیده شود، مگر طالبان به این تقاضا ها وقعی نگذاشتند .

اخضر ابراهیمی نماینده کوفی عنان سر منشی سازمان ملل در افغانستان به یکی از ژورنالیست های خارجی گفت : " در شمال، برای عملیات کمک رسانی ما هیچ گونه امنیت و جود ندارد و در جنوب، محدودیت های بی حد و حصر طالبان برای ما جهانی ساخته است و در شمال حاکمیتی نیست و در جنوب یکنوع حاکمیت مخوف وجود دارد ."

علمای مذهبی پاکستان در ارتباط تنگاتنگ با "آی اس آی" آن کشور به ملا عمر و سایر سر کردگان طالبان تلقین میکردند که تمام سازمان های امداد رسانی باید از افغانستان خارج ساخته شوند، " چون همه جاسوسان غربی و دشمن اسلام میباشند . همچنان ، رهبران احزاب اسلامی و گروه های مثلاً ، " لشکر طیبه " ، " جمعیت العلمای پاکستان " و سایر ملا های وهابی و دیوبندی پاکستان به طالبان و رهبران آنها میگفتند که "شیعیان مباح الدم اند ، زیرا مسلمان نمیباشند . " این ، از جمله همان تاکتیکهای شناخته شده حکومت مداران پاکستانی بود تا بتواند آخرین امکانات معیشتی مردم جنگزده افغانستان را نابود کنند . همچنان ، تبلیغ و تلقین این نظر و ایدیای غیر انسانی که گو یا "هزاره ها کافراند " و " تاجیکها باشند های اصلی افغانستان نیستند " و " . . . " میتوانستند ، کین و افتراق مورد نیاز منافع استعماری شان را توسط طالبان میان اقوام کشور ایجاد نمایند . به همین دلیل ، ملأ محمد حسن والی قندهار خیلی جاهلانه و یا شاید هدفمندانه با میز و چوکی بالای یکی از کارمندان سازمان ملل حمله نموده سعی میکند او را خفه نماید .

شورای امنیت سازمان ملل ، اعلامیه آتی را به تاریخ هشتم ماه جنوری ۱۹۹۸ م صادر نمود:

"آقای الاخضر ابراهیمی نماینده خاص (م م) برای افغانستان اعضای شورای امنیت را در باره اوضاع و رویداد های افغانستان باخبر ساخت:

۱- اعضای شورای امنیت م م بمباران اخیر میدان هوایی بامیان را با کمال اندوه و تأسف تلقی مینماید . این بمباران زمانی صورت گرفته است که میدان هوایی بامیان مورد استفاده برنامه غذایی جهان به مقصد رساندن مساعدت بشر خواهانه اضطراری به مردم آن ناحیه بود.

۲- اعضای شورای امنیت بر این نکته تاکید نمودند که این حملات عمدی در مقابل پرسونل امور بشر خواهانه م م غیر قابل قبول میباشد .

۳- اعضای شورای امنیت از تقاضای سر منشی م م از مقامات طالبان پشتیبانی میکنند که در آن سر منشی م م طلب کرده است تا برای رسیدن مساعدت بشری امکانات میسر شود و از هرگونه عملی که امنیت پرسونل عملیات امداد بشر خواهانه م م را به خطر می اندازد دست بر داشته شود.

اعضای شورای امنیت در باره را پور هایی که راجع به کشتار های دست جمعی مردمان ملکی غیر مسلح و زندانیان جنگ واصل شده است ، به شمول حملات اخیر بر مردمان ملکی نگران میباشند و این اعمال را به شدت تقبیح و محکوم می نمایند.

اعضای شورای امنیت پشتیبانی خویش را از مساعی ملل متحد و فعالیت نماینده خاص سر منشی برای امور افغانستان دو باره تأیید نمودند. درین زمینه اعضای شورای امنیت پشتیبانی خود را از همه اقداماتی که طی اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی در تهران و بعد از آن صورت گرفته و می گیرد ابراز می دارند.

به همین سلسله، گفته شد که در قتل عام هزاره ها و دیپلماتهای ایران در مزار شریف، گروه " سپاه صحابه " و " حرکت الانصار " پاکستان که در کنار طالبان به صورت وحشیانه علیه مردم افغانستان می جنگیدند، نقش عمده داشته اند. به هر صورت، در نیمه ماه سپتامبر ۱۹۹۸ م، بامیان با در نظر داشت اوضاع و روابط شکننده جبهه اسلامی و زد و خورد های ذات البینی آنها، از سه طرف (شمال - غرب و جنوب غرب) مورد حمله قرار گرفت و طالبان بالاخره وارد مرکز آن ولایت گردیدند. عده ای از فرماندهان و افراد حزب وحدت به شمول آقای اکبری با بیست نفر همکاران نزدیکش به مهاجمان تسلیم شدند و برخی از آنها به شمول کریم خلیلی به ارتفاعات کوه ها فرار کردند. آقای (اکبری) بعداً طی مصاحبه ای با بی بی سی گفت: " مردم هزاره جات، مردم مناطق مرکزی از مقاومت در برابر تحریک طالبان و امارت اسلامی منصرف شدند. بناً گذاشتند که راه آشتی و تفاهم را جستجو کرده در کنار و هماهنگ و همراه با تحریک طالبان و امارت اسلامی کار بکنند و در نتیجه هزاره جات دو ماه قبل در تصرف امارت اسلامی قرار گرفت و من خواستم که به عنوان یک فردی از این مردم راه جدا از اونها نداشته باشم. . . " باید متذکر شد که "انجنیر نسیم مهدی" معاون جنبش ملی - اسلامی و یکی از فرماندهان حزب اسلامی گلبدین در فاریاب با عده ای از همکاران نزدیکش مانند "مولوی عبادی، مولوی شهاب الدین، تاج محمد کوهی، محمد هاشم، عبدالخالق" و غیره نیز به طالبان پیوسته بود. انجنیر "مهدی" کسی بود که قبلاً با "عبدالرشید دوستم" در گیر مخالفت ها شده و "دوستم" نیز طی یک اقدام نظامی، وی و تعداد زیادی از همراهانش را دستگیر نموده بود.

طالبان علاوه از آنکه تعداد زیادی از مردم بی دفاع هزاره را دستگیر، توقیف و شکنجه کردند، حتا به تعداد پنجاه تن از سالخوردگان را که قادر به فرار نشده و در خانه های گلی و محقر خویش باقی مانده بودند، تیر باران نمودند. اینان، طی همین حمله و اشغال، به تعداد سه صد و پنجاه نفری را که به اثر بمباران طالبان زخمی شده و در شفاخانه بستر بودند، وحشیانه به قتل رسانیدند. به تعداد دوهزار و پنجصد نفر جوانان بامیان را دستگیر و به جاهای نامعلومی انتقال دادند. در حدود ده تا دوازده هزار نفر را از خانه و کاشانه ی شان بیرون رانده و در هوای آزاد قرار دادند. ماهیت ضد فرهنگی شان را با نابود سازی سر مجسمه کوچکتر بودا توسط مواد منفجره به اثبات رسانیده و مجسمه بزرگ پنجاه و دو متری را بعداً به روز یازدهم ماه مارچ ۲۰۰۰ میلادی علی رغم اعتراضات گسترده بین المللی نابود کردند.

جالب اینست که وقتی به تاریخ هفدهم ماه سنبله ۱۳۷۷ خورشیدی، نیروهای طالبان به "دو آب میخ زرین" و "سیغان و کهمرد" رسیدند، سران و فرماندهان مربوط به جمعیت اسلامی ربانی به سرکرده گی "ملا زوی" با طالبان یکجا شده مشترکا علیه حزب وحدت داخل جنگ شدند. آنهم به صورت عمده به خاطر چپاول، کشتار و غارت اهالی مناطق مذکور توسط افراد مسلح حزب وحدت بود که مردم را بجان رسا نیده بودند. هرچند نیروهای حزب وحدت با به راه انداختن یک سلسله حملات متقابل، سعی کردند شهر را مجدداً به دست آورند، اما در نهایت، پیروزی از آن طالبان بود. در جریان این جنگ و گریز، علاوه از تلفات جانی حزب وحدت، به تعداد سی تن از طالبان اسیر شده توسط وحدتی ها تیر باران و حدود چهل تن دیگر به اثر جنگ ها کشته شدند. قرار اظهار شاهدان عینی و احصاییه هائی که به چاپ رسیدند، طالبان بیشتر از یکهزار نفر را در بامیان به قتل رسا نیدند که اکثریت آنان را موسپیدان، زنان و کودکان معصوم تشکیل میدادند. حنا مریضان را که در شفاخانه شهر بستری بودند، بیرحمانه کشتند. پس از تصرف بامیان و تصفیه آنجا، طالبان به سوی "یکاولنگ" سوقیات کردند. در یکا و لنگ نیز تا آنجا که برایشان مقدور بود در گرفتاری و کشتار زن و مرد و کودک دریغ نکردند. شاهدان عینی گفتند که طالبان که تعداد زیادی از بنیاد گرایان پنجابی آنها را همراهی میکردند، صد هاتن بیگناه و بی دفاع را به قتل رسا نیده و کلبه های غریبانه شان را به آتش کشیدند.

طالبان به تاریخ اول ماه میزان ۱۳۷۷ خورشیدی وارد "یکاولنگ" شدند و نیروهای مسلح مربوط "کریم خلیلی" مقاومتی نشان نداده، عقب نشستند. مهاجمان تمام خانه های شهر و اطراف آنرا تفتیش و تلاشی نمودند که ضمن آن، از هر خانه هرچه به دست شان می آمد بر میداشتند. آنها زن و مرد هزاره را تا نمیتوانستند بگونه فجیعی تحقیر و توهین می نمودند. تعداد زیادی از باشنده های "یکاولنگ" از ترس طالبان به کوه ها فرار کردند.

طالبان به تاریخ سوم ماه میزان به سوی "پنج آب" حرکت نموده آنجا را نیز تصرف کردند. آنها به سرعت، بیشتر از سی نفر را به قتل رسا نیده دست به بی ناموسی هم زدند. دفتر "اکسفام" در "پنج آب" موقعیت داشت و طالبان مسلح نه تنها در همانجا جا به جا شدند، بلکه یکتعداد کارمندان آنرا اسیر هم گرفتند. دوشیزه ای به نام "هما" که برای "اکسفام" کار میکرد، به دفتر مذکور می آید تا اثاثیه خودش را ببرد. همان روز طالبان او را اجازه میدهند که به خانه برگردد، ولی روز دیگر به "هما" اطلاع میدهند که سامان و وسایل دفتر "اکسفام" را انتقال میدهند، اگر چیز دیگری از وی باقی مانده باشد، بیاید و ببرد. وقتی "هما" با خواهرش می آید، طالبان کرام هردو خواهر را به اتاقی برده و آنها را یک شبانه روز نگه میدارند و چون مردم محل از این رسوائی مطلع میشوند، هما، خواهر و مادرش مجبور می شوند به پاکستان فرار نمایند. این موضوع نیز در آن وقت افشا شد که "عبدالصمد فایق" یکی از خادیسست های سابق، دستگاه خاد طالبان در یکاولنگ را به عهده گرفته است.

مقامات جمهوری اسلامی ایران در قبال اشغال بامیان و نقاط هزاره نشین دیگر و جریان کشتار گسترده اهل تشیع ، ظاهراً حساسیت خاصی نشان داده علاوه از آنکه سید علی خامنه ای ، طالبان را "جهال" و "وحشی" و "دشمن اسلام" خواند ، مرز ایران را نیز در ماه میزان سال ۱۳۷۷ خورشیدی بر روی تجار افغان بست تا به زعم خود شان این گروه بی باک و "دشمن اسلام" را از نظر اقتصادی در مضیقه قرار دهد.

برخی از قومندان های ذیدخل در جنگهای ضد طالبان در پلخمري و بغلان و بامیان ازینقرار بود:

ملا ملنگ مولوی عبدالقدوس

داکتر شهاب الدین

مولوی ظاهر

احمدخان

خیر محمد

رحیم دیوانه

بشیر بغلانی

احمد خان

غلام علی وحدت

ارباب هاشم

خان محمد

اختر جت

امین الله کریم

ثمر بیگ

ملا زوی

حکومت پادشاهی عربستان سعودی که در واقع ، بار عمده مخارج جنگ طالبان را به عهده داشت نیز مادامکه تقاضایش مبنی بر تسلیم دهی "اسامه بن لادن" به ریاض از طرف ملا عمر رد شد و نیز به خاطر فشار های جهانی ، روابط دیپلماتیک اش با اداره این گروه را قطع کرد و بعداً امارات متحده عربی هم از آن تبعیت نمود. روسیه ، علاوه از اعتراض بر دخالت پاکستان در امور افغانستان ، قبلاً گفته بود در برابر طالبان باید از قوه کار گرفته شود. ازبکستان و تاجکستان دو کشور همسایه شمال افغانستان از پیروزیهای طالبان بنیاد گرا جداً دچار نگرانی و تشویش گردیده بودند. ترکمنستان با حفظ روابط عادی با اداره طالبان و جبهه اسلامی شمال ، در واقع ، منتظر انکشاف اوضاع نهائی بود. البته هراس و نگرانی دو کشور مذکور مبنی بر پیروزی طالبان و هابی در شمال افغانستان ، بر میگردد به

سالهائی که در افغانستان هنوز جهاد ادامه داشت و نظام شوروی در آستانه سقوط قرار گرفته بود. در آن سالها "سی آی ای" امریکا با دستگیری نوکرمنشانه "آی اس آی" پاکستان سلاح های روسی را در ولایات شمال و در بدل پول نقد یا مبادله سلاح های مدرن دیگر جمع آوری نموده از طریق حزب اسلامی گلبدین و جمعیت اسلامی ربانی غرض خرابکاری و ایجاد شورش در آنسوی دریای آمو میفرستادند. چنانکه شورش بنیاد گرا های تاجیکی به نام "نهضت اسلامی تاجکستان" به رهبری "نوری" و از ازبکستان به نام "جنبش اسلامی ازبکستان" به رهبری "جمعه نمگانی" کشتار های نوع جهادی - طالبی را به راه انداختند. فرماندهان آتی نیز در شبکه "سی آی ای" غرض ارسال سلاح و عناصر خرابکار به آنسوی دریای آمو دست داشتند: "پیرم قل" در رستاق، "بصیر، سید نجم الدین و قاری امیر" در خواجه غار، "میر علم، آمرلطیف، قاری نعمت الله" والی وقت کندزو آمر محی الدین و غیره.

در اینجا ترجمه فارسی نامه ملا عمر رهبر طالبان تقدیم میشود که عنوانی سفیرش در اسلام آباد فرستاده شده است:

"اسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

به مسئول محترم سفارت امارت اسلامی افغانستان در اسلام آباد

از کمک مالی عربستان سعودی مبلغ بیست لک دالر که نیم آن ده لک دالر میشود، به محترم برادر جمعه نمگانی بدهید. والسلام

محل امضا و مهر ملامحمد عمر

ادامه دارد